

بررسی تداخل اختیارات سازمان تعزیرات حکومتی با سایر مراجع قضایی در رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز

نویسنده: جهان ناصری

چکیده:

امر قاچاق به خصوص قاچاق کالا و ارز، قطعاً هزینه ای انسانی و اقتصادی سنگینی برای کشور به دنبال دارد و به ویژه به نظام اقتصادی کشور لطمات جبران ناپذیری وارد می‌سازد. سازمان تعزیرات حکومتی بعنوان یکی از نهادهای تخصصی (شبه قضایی) زیرمجموعه قوه مجریه بر اساس ماده واحده قانون اصلاح قانونی تعزیرات حکومتی مصوب ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام وظیفه رسیدگی به تخلفات اقتصادی و حفظ عدالت اقتصادی، جلوگیری از اجحاف و تبعیض در عرصه داد و ستد و حمایت از حقوق مصرف‌کننده را بر عهده دارد. صلاحیت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز تحت شرایطی از اوایل سال ۱۳۷۴ با تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز به این سازمان تفویض شد و پس از آن قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ دادسرا و دادگاه انقلاب و سازمان تعزیرات حکومتی را مراجع صالح رسیدگی در پرونده‌های قاچاق کالا و ارز اعلام و به موجب ماده ۴۴ صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی در برخورد با پرونده‌های قاچاق کالا و ارز را مادامی دانسته است که جرائم سازمان‌یافته و حرفه‌ای نبوده و مستلزم مجازات «حبس» یا «انفصال از خدمت دولتی» نباشد، در غیر این صورت رسیدگی به این پرونده‌ها در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب خواهد بود. لذا در این مقاله برآنیم میزان تداخل اختیارات سازمان تعزیرات حکومتی با سایر مراجع قضایی در رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای تنظیم شده است.

کلمات کلیدی: سازمان تعزیرات حکومتی، قاچاق کالا و ارز، صلاحیت، مجازات،

مراجع قضایی.

مقدمه

امروزه توسعه فن‌آوری‌ها و گسترش ارتباطات، مبادلات و مناسبات اقتصادی میان کشورها را دستخوش تحولات چشمگیر ساخته و وجود مرزها به همراه اعمال سیاست‌های اقتصادی متأثر از حاکمیت دولت‌ها در امر صادرات و واردات، موجب پیدایش و رشد پدیده‌ای به نام «قاچاق» شده است. قاچاق به‌عنوان یک معضل اقتصادی و اجتماعی و حتی امنیتی، در جوامع مختلف به خصوص در مناطق مرزی سبب شده است تا زمینه‌های مناسبی جهت ایجاد اشتغال سالم و پایدار ایجاد نشود و چنان تأثیرات منفی و مخربی در اقتصاد کشور گذارده که به ناچار بخش چشم‌گیری از امکانات ملی برای مقابله با آن بسیج شده‌اند. به‌رغم این تلاش‌ها و بنا بر اعتراف مکرر مسئولان، اقدامات به‌عمل آمده چندان اثری نداشته و فقط پاره اندکی از کل قاچاق کشف شده است.

متأسفانه قاچاق از زمانی ظهور و بروز پیدا می‌کند که دولت‌ها برای مقاصدی مثل: حمایت از تولیدکنندگان داخلی، ایجاد اشتغال، کنترل و نظارت بر کالاهای وارداتی، تشویق سرمایه‌گذاری، کسب درآمد، حفظ مصالح و امنیت عمومی، حفظ سلامتی و بهداشت عمومی و یا در جهت حفظ ارزش‌های جامعه، واردات و صادرات کالا و ارز و خرید، فروش یا توزیع آن را تحت ضوابط و مقررات خاص قرار دهند. بنابراین نمی‌توان برای قاچاق قدمتی به عمر بشر قائل شد. هرگاه واردات، صادرات، خرید، فروش و عرضه‌ی کالایی تحت مقررات خاصی درآید، هرگونه فعل و انفعال مخفیانه و غیرقانونی که به دور از دید نهادهای مجری قانون در آن مورد انجام شود، قاچاق محسوب می‌شود. امر قاچاق به علت ماهیت پنهان خود در آمارهای رسمی کشور ثبت نمی‌شود و بر این اساس وجود آن موجب پنهان ماندن بخشی از عملکرد اقتصادی کشور خواهد شد. این واقعیت می‌تواند کارکرد سیاست‌های تخصیصی و توزیعی دولت را در عمل با مشکلات جدی مواجه سازد. بنابراین ضرورت مبارزه فوری با قاچاق کالا و ارز از سیاست‌های گمرکی و اقدامات مکمل امنیتی گرفته تا اقدامات تأمینی و حقوقی - کیفری و یا فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی و اقدامات پیشگیرانه دیگر را در این راستا لازم و ضروری می‌نماید.

سازمان تعزیرات حکومتی به‌عنوان یکی از نهادهای تخصصی (قضایی-اداری) زیر مجموعه قوه‌ی مجریه بر اساس ماده واحده‌ی قانون اصلاح قانونی تعزیرات حکومتی

مصوب ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش‌بینی و به‌موجب آن در بدنه‌ی دولت تشکیل و وظیفه‌ی رسیدگی به تخلفات اقتصادی و حفظ عدالت اقتصادی، جلوگیری از اجحاف و تبعیض در عرصه‌ی داد و ستد و حمایت از حقوق مصرف‌کننده را بر عهده دارد. صلاحیت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز تحت شرایطی از اوایل سال ۱۳۷۴ با تصویب قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز به این سازمان تفویض شد. برای تسریع در رسیدگی و تشدید مجازات مرتکبین قاچاق، با تصویب قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز و آئین‌نامه اجرایی قانون مذکور صلاحیتی به سازمان تعزیرات حکومتی جهت رسیدگی به جرایم قاچاق پیش‌بینی شده که برابر تبصره ۲ ماده ۴ همان قانون در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده در مدت تعیین شده، سازمان تعزیرات حکومتی با درخواست سازمان شاکی به همان پرونده رسیدگی خواهد کرد و مطابق دو ماده‌ی ۸ و ۱۰ آئین‌نامه اجرایی قانون مزبور نیز در مناطقی که محاکم قضایی (شامل دادگاه انقلاب و عمومی) برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق وجود ندارد تا ایجاد تشکیلات قضایی، سازمان تعزیرات حکومتی مکلف است بنا به درخواست سازمان‌های شاکی و ابلاغ ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق نسبت به تشکیل محاکم تعزیرات حکومتی اقدام و طبق قوانین و مقررات رسیدگی نماید. در حال حاضر نیز طبق بند (ب) ماده ۱۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ سازمان تعزیرات حکومتی موظف است به منظور تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و پیشگیری از ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه‌ی رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز متشکل از افراد حائز شرایط استخدام قضات مطابق آیین‌نامه‌ی مصوب هیأت وزیران اختصاص نماید. قاچاق کالا در سال‌های اخیر به یک معضل اقتصادی و اجتماعی و پدیده نگران‌کننده تبدیل شده است از جمله جرایم علیه نظام اقتصادی است و آثار زیان‌بار آن بر امر تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری، اشتغال و کاهش درآمدهای دولت بر کسی پوشیده نیست. قانونگذار با دادن اختیارات رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز به سازمان تعزیرات حکومتی در حقیقت قصد جرم‌زدایی داشته و از منظر تخلف به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز در شعب تعزیرات حکومتی رسیدگی و صدور رأی می‌شود. قصد دیگر قانون‌گذار رسیدگی سریع به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز در شعب تعزیرات حکومتی بود چراکه رسیدگی در محاکم قضایی مستلزم زمان بیشتری بود.

فصل اول: تبیین اختیارات کلی سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز

مبحث اول: ادبیات و پیشینه

گفتار اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی تعزیر

«تعزیر» در لغت به معنی «تأدیب» و گاه به معنی «بزرگداشت» و «یاری کردن» و «منع نمودن» آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۴۱۱)

از نظر ابن اثیر «ریشه اصلی تعزیر، همان منع و رد است و نصرت هم به این معناست که شما دشمن را از شخصی رد می‌کنی و مانع اذیت شخص توسط دشمن می‌شوی. به تأدیب، تعزیر می‌گویند؛ چون جانی را از تکرار گناه منع می‌کند». (ابن اثیر، ۱۴۲۱: ۳)

همچنین در مسالک الافهام در تعریف تعزیر چنین آمده است که «تعزیر» در لغت به معنای ادب کردن و در اصطلاح شرع عبارت از عقوبتی است که در غالب موارد در اصل شرع برای آن اندازه‌هایی معین نشده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۲۵) یعنی کیفری که در شرع از نظر مقدار مشخص نیست و در مقابل حد است، شارع مقدس اندازه‌ای برای آن تعیین نکرده است. (نجفی، ۱۳۹۴: ۳۲۵)

در حقوق کیفری ایران نیز تعزیر عبارت از مجازاتی است مادون حد شرعی. به عبارت دیگر تعزیرات کیفرهای نامعین هستند و ملاک اصلی آن‌ها کمتر بودن آن نسبت به حد است و مقدار و کیفیت آن‌ها در صلاح‌دید حاکم شرع (قاضی) است. در تعزیر شخصیت مجرم، وضع روحی و جسمی و زمان و مکان دخالت دارد، در صورتی حد تابع صدق عنوان است. همچنین امید به اصلاح و تأدیب مجرم شرط است و با توبه ساقط می‌شود و قابل شفاعت است و حاکم اسلامی حق عفو دارد. (زراعت، ۱۳۸۸: ۷۳)

و در نهایت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۸ در مقام تعریف تعزیر اشعار می‌دارد «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در مورد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون معین می‌شود.

گفتار دوم: مفهوم لغوی و اصطلاحی قاچاق کالا و ارز

قاچاق از نظر لغوی، لغتی ترکی و اسم مصدر است و در زبان فارسی به معنا و مفهوم گریزاندن آمده و معمولاً به مال گریزانده شده نیز اطلاق می‌شود در لغت‌نامه دهخدا در ذیل واژه قاچاق آمده است. (اجتهادی، ۱۳۹۰: ۶)

وارد ساختن کالاهایی که وارد ساختنشان قانوناً ممنوع می‌باشد، جرم است و نیز آوردن کالاهایی مشمول حقوق و عوارض گمرکی بدون پرداختن آن حقوق و عوارض، در داخل خاک آمریکا قاچاق محسوب می‌شود. به ساحل آوردن یا حمل متقلبانه‌ی کالاهای مشمول حقوق و عوارض گمرکی در ساحل در جهت گریز از پرداخت حقوق و عوارض آن، قاچاق خواهد بود. در ترمینولوژی حقوق نیز آمده است: «قاچاق: الف) حمل و نقل کالا از نقطه‌ای به نقطه‌ای، خواه دو نقطه مزبور در داخل کشور باشد (قاچاق داخلی)، خواه یک نقطه در داخله و یک در خارجه باشد که آن را قاچاق خارجی گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۵۱۰)

در نهایت با توجه به تعاریف بیان شده در خصوص قاچاق کالا و ارز، بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۳/۰۳/۱۰ در تعریف قاچاق کالا و ارز اشعار می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.» یکی از نوآوری‌هایی که در این قانون هست این است که تقریباً یک تعریف نسبتاً جامع و مانع از قاچاق ارائه شده است. لازم به ذکر است واژه‌ی قاچاق در قوانین و مقررات جزایی سابق و دیگر قوانین مرتبط به صورت جامع و مانع تعریف نشده و حتی می‌توان گفت هیچ تعریفی، از آن ارائه نشده بود تا جایی که قانون‌گذار در ق.م.ق. مصوب ۱۳۱۲ و همچنین در قوانین قبل و بعد آن، از جمله ق.ت.ح.ق.ک.ا. مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، بدون ارائه تعریفی از قاچاق، به تبیین موارد تلقی قاچاق و بیان مجازات‌های آن بسنده شده بود.

مبحث دوم: ملاک‌های اعطای صلاحیت به سازمان تعزیرات حکومتی در امر رسیدگی

ممکن است برای رؤسای شعب تعزیرات، یا علمای حقوقی و یا متخلفین از قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی و یا وکلای مدافع آنان این سؤال مطرح شود که اصولاً منابع و ملاک نونی صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی چیست؟ و این شعب بر اساس کدام مجوز و مستند قانونی مجاز یا مکلف به رسیدگی‌اند؟ در پاسخ باید گفت می‌توان نصوص قانونی و مصوبات مشروحه‌ی زیر را به‌عنوان ملاک ای صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی نام برد. (مجموعه کامل قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی، ص ۷۲۰)

اولاً: به موجب قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مشتمل بر یک ماده واحده و شش تبصره به منظور اصلاح قوانین تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ که در تاریخ ۷۳/۷/۱۹ به تصویب مجمع رسید. درست است که در این قانون صراحتاً از سازمان تعزیرات حکومتی نام برده نشده ولی در صدر ماده واحده موضوع تفویض اختیار رسیدگی به کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی و صدور حکم آن به دولت (قوه مجریه) مطرح شده است و همچنین برابر تبصره ۲ ماده واحده، سازمان، تشکیلات عوامل نظارت، بازرسی، رسیدگی و تعیین ساختار و شرح وظایف و نحوه‌ی رسیدگی آن به هیأت دولت محول نموده است.

ثانیاً: در تصویب نامه شماره ۵۲۰۲-۷۳/م مورخه ۷۳/۷/۲۳ در خصوص تعیین سازمان و تشکیلات تعزیرات حکومتی اشعار می‌دارد: این تصویب‌نامه بر اساس اصل ۱۲۷ قانون اساسی و به استناد تصویب نامه شماره ۴۰۲۱۴/ت/۲۸۷ مورخ ۷۳/۷/۲۳ اجرای قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی به شرح ذیل تعیین می‌شود. سازمان تعزیرات حکومتی تحت نظر وزیر دادگستری تشکیل می‌شود و آئین‌نامه آن به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. این سازمان برای رسیدگی و صدور حکم راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی در تهران شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها دارای شعب رسیدگی، تجدیدنظر در رسیدگی به تخلفات مجریان خواهد بود. (ماده ۳ آیین ه سازمان تعزیرات حکومتی) (تصمیم نماینده‌ی ویژه‌ی رییس جمهوری مصوب ۷۳/۷/۲۳) همان گونه که ملاحظه می‌شود این ماده دارای دو قسمت مجزا به شرح ذیل است:

الف) قسمت صدر ماده که در واقع از سازمان تعزیرات حکومتی نام برده و مجوز تشکیل آن را بیان می‌کند.

ب) قسمت دوم ماده که مأموریت و وظایف سازمان را که در واقع همان صلاحیت‌های رسیدگی سازمان است را بیان می‌کند. در این قسمت از ماده تصریح شده «این سازمان برای رسیدگی و صدور حکم راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی... دارای شعب... خواهد بود». (ماده ۳ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی، پیشین، ۷۲۵-۷۲۳)

در خصوص مشروعیت و اعتبار قانونی مصوبه اخیر برای رفع هرگونه ابهام باید گفت:

اولاً برابر اصل ۱۲۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد رییس جمهوری می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رییس جمهوری و هیأت وزیران خواهد بود.

و ثانیاً هیأت وزیران نیز به استناد همین اصل طی تصویب‌نامه شماره ۲۱۴/۴۰/ت/۲۸۷ مورخ ۷۳/۷/۲۳ تصویب نمودند که تصمیمات نمایندگان ویژه رییس جمهوری در ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار به منزله‌ی تصمیمات هیأت وزیران است. لذا آنچه از این مصوبه استفاده می‌شود این است که تصمیمات یک شخص حقوقی دولتی به نام نمایندگان ویژه‌ی رییس جمهوری که در ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار اتخاذ می‌کنند دارای همان اعتبار قانونی و اجرائی است که هیأت وزیران دارد.

و ثالثاً به‌ویژه آن‌که در زمینه خاص نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی با توجه به مفاد ماده واحده‌ی مصوب ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و تبصره‌ی آن، مجوز قانونی لازم برای این مصوبات هیأت وزیران نیز صادر شده است.

و رابعاً قانونگذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۰، دادسرا و دادگاه انقلاب و سازمان تعزیرات حکومتی را مراجع صالح رسیدگی در پرونده‌های قاچاق کالا و ارز اعلام کرده فلذا مراجع مذکور به جهت تفکیک صلاحیت قانونی بر حسب نوع و میزان قاچاق و با توجه به اختصاص شعبه‌ی ویژه‌ی رسیدگی به تخلفات و شعبی از دادگاه‌ها برای پرونده‌های قاچاق در چارچوب قانون آیین کیفری صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز را خواهند داشت.

الف) بررسی اختیارات و صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به تخلفات (قانون مبارزه با قاچاق ۱۳۹۲)

با توجه به تعریف جرم در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که قانون گذار هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است را جرم محسوب می کند و با عنایت به ماده مذکور مشخص شد که جرم دارای تعریف خاص و مشخص بوده و مرجع رسیدگی به جرم، وفق مقررات و قانون اساسی در صلاحیت مراجع قضایی «قوه قضاییه» و جزء وظایف ذاتی آن به عنوان یکی از ارکان مستقل حاکمیت است که این مهم منبعت از اصل تفکیک قوا است. بدیهی است دستگاه ای اجرایی «قوه مجریه» و یا «قوه مقننه» به صورت مستقل نمی توانند اقدام به صدور حکم و محکومیت نمایند به عنوان مثال قوه قوهی مقننه برابر ۹۰ قانون اساسی می تواند به شکایات رسیدگی کند و حتی پاسخ لازم را از مراجع بخواهد و مواردی که ضرورت ایجاب کند کمیسیون مربوطه پرونده را برای سیر مراحل قانونی به قوه قضاییه ارجاع می دهد، فلذا آن چیزی که واضح است در مقررات حاکم بر نظام حقوقی کشور رسیدگی و صدور حکم اعم از جزای نقدی، حبس، ضبط اموال و ... مجازات و قاعدتاً آثار آن رسیدگی به جرایم مقرر بر اساس قانون است.

لکن در ماده ۴۴ از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به این دلیل که صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز را قابل توجیه و قانونی می نماید و آن را پذیرفته است، قاچاق را تخلف عنوان نموده است، این در حالیست که برابر ماده ۱۱ از همان قانون مذکور (قاچاق) را جرم تعریف نموده است و به علاوه با توجه به تعریفی و توصیفی که آورده شد، قاچاق و صدور حکم متهمان برابر فصل سوم از قانون مذکور خاص تا ماده ۱۸ از آن جایی که برای آن مجازات مقرر شده، عنوانی غیر از جرم نمی تواند داشته باشد. برای این که ما به درک صحیح تر و مناسبی از موضوع برسیم گذشته از صرف عنوان یک نوع حال چه جرم، تخلف و ... می بایست به نتایج حاصله از آن توجه کنیم. اگر این نتایج حقوق مکتسبه ای از متهمین را ضایع کند در این صورت جرایم بدون توجه به عواقب بعدی آن نمی تواند نتیجه ای منتج به عدالت شود، فلذا با عنایت به این موارد اساساً قاچاق با توجه به عنوان و مجازات مقرر برای آن به هر شکلی نمی تواند تخلف باشد زیرا آثار و شرایط تخلف مشخص است.

همچنین در جایی که سازمان تعزیرات حکومتی شاکی و مرجع رسیدگی کننده هر دو به طور مستقیم و غیرمستقیم و بر اساس سلسله مراتبی اداری مکلف به اجرای الزامات دولت «قوهی مجریه» به معنای خاص است، نمی تواند حقوق افراد را هر چند ناخواسته تأمین نماید.

ب) تجدید نظر خواهی از احکام صادره در سازمان تعزیرات حکومتی بر مبنای اعطای صلاحیت

در خصوص تجدیدنظر پرونده ۱ بر اساس نوع و میزان جرم که در موارد تخلف محسوب شدن مرجع صالح سازمان تعزیرات حکومتی است. نکته مورد بحث این قانون نحوه تجدید نظر خواهی احکام صادر شده است. قبل از تصویب قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ سازمان تعزیرات حکومتی مطابق ماده ۱۵ آیین نامه اجرای قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ آراء صادره از ناحیهی سازمان تعزیرات حکومتی را قطعی اعلام می کرد، اما برای شکایت از آراء قطعی صادره از ناحیه سازمان تعزیرات حکومتی در اجرای بند ۲-ب ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ امکان این امر وجود داشت که به دیوان عدالت اداری شکایت نمود. هر چند که شکایت از آراء قطعی سازمان تعزیرات حکومتی در دیوان عدالت اداری موجب توقف اجرای حکم نمی شد مگر اینکه دیوان عدالت اداری در اجرای ماده ۱۵ قانون مذکور به صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرا آراء صادره مبادرت می نمود. (سالکی، ۱۳۹۰: ۹۴)

در صورتی که قانون گذار در ماده ۵۰ قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز بیان می کند آراء شعب بدوی تعزیرات در مورد قاچاق کالا و ارز که ارزش آنها کمتر از بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد، قطعی است. در سایر موارد آراء شعب ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ با درخواست محکوم بیه قابل تجدید نظر خواهی است.

در مرحله اول، ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ در مقام ارزش پرونده های حائز قطعیت بدوی، عنوان کرده است که آراء شعب بدوی تعزیرات در مورد قاچاق کالا و ارز که ارزش آنها کمتر از بیست میلیون ریال باشد، قطعی محسوب

می‌شوند. به موجب تبصره یک ماده ۵۰ قانون موصوف جهات تجدیدنظرخواهی در شعب تعزیرات حکومتی مطابق قانون آیین دادرسی کیفری است و در مورد قاچاق کالا و ارز که ارزش آن‌ها کمتر از بیست میلیون ریال باشد، مصداق می‌یابد.

به نظر می‌رسد نکته حائز اهمیت و برخلاف روند اداری و قانون اساسی، تبصره‌ی دو ماده‌ی ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است که به‌طور صریح اشعار داشته است که آراء صادره از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی نیست. بدیهی است که با توجه به این‌که سازمان تعزیرات حکومتی، هم شاکی و هم مرجع رسیدگی به اتهام قاچاق محسوب می‌شود، تا پیش از تصویب قانون اخیر، دیوان عدالت اداری پناهی در راستای احقاق حقوق شهروندان محسوب می‌شد، امری که مطابق با قانون اساسی و اصول عدالت بود اما حذف امکان تجدیدنظرخواهی از دیوان عدالت اداری، می‌تواند موجبات تعدی سازمان تعزیرات حکومتی را فراهم آورد.

سؤالی که ممکن است در این جا مطرح شود این‌که آیا همه‌ی شعب تعزیرات حکومتی برای رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز صلاحیت دارند یا این‌که این صلاحیت به شعب خاص اختصاص دارد؟ ماده ۱۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ در این رابطه مقرر کرده است: «قوه‌ی قضاییه و سازمان تعزیرات حکومتی حسب مورد، موظفند به منظور تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و پیشگیری از ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز اقدامات زیر را به عمل آورند.

الف- اختصاص شعب ویژه جهت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز توسط رییس قوه‌ی قضاییه

ب- اختصاص شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه‌ی رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز متشکل از افراد حائز شرایط استخدام قضات مطابق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران توسط سازمان تعزیرات حکومتی

همچنین طبق ماده ۴۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «هر کدام از شعب دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی، تعزیرات حکومتی و شعب تجدیدنظر آن‌ها ظرف یک‌ماه از زمان تحویل پرونده باید رسیدگی و رأی نهایی را صادر کنند، مگر مواردی که حسب نوع جرم

یا تخلف و علل دیگر، تکمیل شدن تحقیقات نیاز به زمان بیشتری داشته باشد که در این صورت حسب مورد مرجع رسیدگی ننده موظف است علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق گزارش دهد. عدم ارسال این گزارش موجب محکومیت انتظامی تا درجه‌ی سه می‌شود.»

در دستورالعمل ریاست قوه‌ی قضاییه نیز عبارت ادارات تعزیرات حکومتی آمده است و در آیین‌نامه اجرایی قانون مصوب ۷۹ نیز در خصوص موارد صلاحیت ثانویه‌ی تعزیرات حکومتی شرطی برای رسیدگی مقرر نشده بود، لیکن در خصوص صلاحیت بدوی (منطقی که محاکم قضایی وجود ندارد) شروطی از جمله درخواست اداره شاکی و ابلاغ ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر شده است. بنابراین می‌توان گفت برای رسیدگی ابتدائی در مناطقی که محاکم قضایی وجود ندارد، ابلاغ ویژه برای رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز ضروری است و شعب بدوی و عمومی تعزیرات حکومتی صلاحیت رسیدگی به چنین پرونده‌هایی را ندارند. به عنوان مثال شعب تخصصی ویژه‌ی رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز مستقر در گلوگاه‌ها این وظیفه را عهده‌دار هستند. لیکن برای رسیدگی ثانویه به جهت عدم لحاظ شرطی از طرف قانون‌گذار، تشکیل شعب ویژه‌ی رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز ضرورتی ندارد، اما سازمان تعزیرات حکومتی به لحاظ حساسیت موضوع و رعایت جوانب احتیاط، برای این امر تعدادی شعب بدوی مجرب در تمامی استان‌ها را با ابلاغ ویژه و با حفظ سمت در تصدی شعبه بدوی، مأمور رسیدگی به این پرونده‌ها کرده است.

فصل دوم: تداخل اختیارات سازمان تعزیرات حکومتی با سایر مراجع قضایی در رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز

موارد صلاحیت دادگاه انقلاب در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است به موجب ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد صلاحیت دادگاه انقلاب و بند «ت» این ماده که اشاره به قوانین خاصی که در صورت ارتکاب جرم، آن‌ها را در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب قرار داده است، نه به اعتبار قاچاق بودن آن. قانون خاص، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ است که البته در این زمینه بدین شرح قایل به تفکیک شده است. اگر قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته (یعنی با برنامه‌ریزی توسط گروهی متشکل از سه نفر یا بیشتر) یا به شکل حرفه‌ای (یعنی بیش از سه‌بار، چه به صورت تعدد و چه تکرار) ارتکاب یافته باشد، یا کالاهای قاچاق جزو کالاهای ممنوع (نه کالاهای مجاز و مشروط) باشد و یا جرم ارتكابی مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی باشد، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب است. سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. (خالقی، ۱۳۹۳، ۲۶۷)

بر اساس ماده‌ی ۲۲ قانون مذکور و با توجه به ماده‌ی ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که در بیان صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب و همچنین صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز است. دادرسی و دادگاه انقلاب در موارد زیر صلاحیت رسیدگی را خواهد داشت.

الف. قاچاق و نگهداری یا فروش کالای ممنوع از جمله مشروبات الکلی (تولید خارج) اموال تاریخی و فرهنگی، تجهیزات دریافت از ماهواره به طور غیر مجاز، آلات و وسایل قمار و آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن

ب. قاچاق کالا و ارز به صورت سازمان‌یافته

پ. قاچاق کالا و ارز به صورت حرفه‌ای

ت. قاچاق کالاهای ممنوعه

ث. قاچاق کالاهای مستلزم حبس

ج. قاچاق کالا و ارز مستلزم مجازات انفصال از خدمات دولتی

د. قاچاق کالا و ارز به قصد مقابله با نظام

همان‌طور که در مباحث گذشته مطرح شد شعب ویژه‌ی سازمان تعزیرات حکومتی به سایر پرونده‌ی متشکله قاچاق کالا و ارز از باب تخلف و بر اساس مقررات این قانون رسیدگی و برابر مجازات مقرر در این قانون اقدام به صدور و انشاء رأی می‌نماید.

باید توجه داشت که با تصویب قانون اخیرالذکر، ماده ۲ دستورالعمل نحوه‌ی رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز موضوع تبصره ۱ ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۰۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام که بیان می‌نموده در صورت نبودن دادگاه انقلاب در محل وقوع جرم، پرونده در دادگاه عمومی رسیدگی می‌شود توسط ماده ۷۷ قاچاق کالا و ارز اخیری‌التصویب نسخ شده است. لذا با توجه به اینکه طبق قانون جدید، قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای و مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادگاه انقلاب است، در صورتی که دادگاه انقلاب در محل وقوع جرم تشکیل نشود، پرونده به نزدیک‌ترین دادگاه انقلاب محل وقوع جرم جهت رسیدگی ارسال می‌شود. با توجه به مطالب مذکور در خصوص صلاحیت دادگاه انقلاب مباحث زیر قابل بررسی هستند:

نکته اول: ابهام ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مورد صلاحیت دادگاه انقلاب در جرایم مرتکبین قاچاق کالا و ارز. نکته دوم: تعیین مهلت یک‌ماهه در رسیدگی به پرونده‌های مذکور و در نهایت تعیین دو مرجع رسیدگی در پرونده‌های قاچاق کالا و ارز.

در این رابطه می‌توان به رأی وحدت رویه‌ی شماره ۷۳۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، منتشر در روزنامه رسمی شماره ۱۱۰/۱۵۲/۸۵۰۰ با موضوع تعیین صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده به جرایم مرتکبین قاچاق کالاهای ممنوع نیز اشاره کرد.

رأی وحدت رویه‌ی شماره ۷۳۶-۱۳۹۳/۰۹/۰۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نظر به این‌که در ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ مجلس شورای اسلامی، عبارت «مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی» به قرینه جمله بعد آن با این عبارت: (سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در

صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است) معطوف به قاچاق کالا و ارز و منصرف از قاچاق کالاهای ممنوع است، بنابراین رسیدگی به بزه قاچاق کالاهای ممنوع همانند رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای و بزه قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی مطلقاً در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است.

ماده ۴۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر کرده هر کدام از شعب دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی، تعزیرات حکومتی و شعب تجدیدنظر آن‌ها ظرف یک‌ماه از زمان تحویل پرونده باید رسیدگی و رأی نهایی را صادر کنند، مگر مواردی که حسب نوع جرم یا تخلف و علل دیگر، تکمیل شدن تحقیقات نیاز به زمان بیشتری داشته باشد که در این صورت حسب مورد مرجع رسیدگی کننده موظف است علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق گزارش دهد.

با توجه به حجم زیاد و اهمیت پرونده‌های از قاچاق کالا و ارز تعیین مهلت یک‌ماهه برای رسیدگی به پرونده‌های مذکور در فرآیند و کیفیت رسیدگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد هرچند در ادامه ماده‌ی مذکور افزایش این مدت پیش‌بینی شده است مهلت تعیین شده‌ی یک‌ماهه برای رسیدگی و صدور رأی نهایی قاچاق و تمدید یک‌ماهه آن و مجازات‌های تعیین شده برای قضات در صورت عدم صدور رأی نهایی در مهلت‌های مذکور (در ماده ۴۲) باعث رسیدگی عجولانه و صدور آراء ناقص خواهد شد.

بر اساس قانون جدید، جرم قاچاق کالا و ارز در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. در حالی که رسیدگی به تخلف قاچاق کالا و ارز در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. به نظر نگارنده تعیین یک مرجع واحد و تخصصی برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز می‌تواند در روند رسیدگی به پرونده‌های قاچاق تأثیر بیشتری داشته باشد. البته قانون‌گذار در تعیین مراجع صالح با حدود اختیارات مشخص و تفکیک صلاحیت مراجع مذکور بر اساس نوع و میزان مجازات تکلیف مراجع را در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مشخص کرده است.

هرچند ماده‌ی ۱۱ از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با توجه به بحث پیشگیری، اختصاص شعب ویژه‌ی رسیدگی کننده به قاچاق را مورد تأکید قرار داده و بیان می‌دارد: قوه‌ی قضاییه و سازمان تعزیرات حکومتی حسب مورد، موظفند به منظور تسریع در

رسیدگی به پرونده‌ها و پیشگیری از ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز اقدامات زیر را به عمل آورند:

الف) اختصاص شعب ویژه جهت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز توسط رییس قوه قضاییه.

ب) اختصاص شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز متشکل از افراد حائز شرایط استخدام قضات.

مطابق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران توسط سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی به برخی از دعاوی به علت خصوصیت ویژه‌ی آن‌ها در دادگاه‌های عمومی امکان‌پذیر نیست. از این رو احتیاج به مراجع اختصاصی است که با تشریفات خاص دادرسی اداره می‌شوند. این مراجع بر حسب مورد به برخی از امور خاص رسیدگی می‌نمایند. قانون‌گذار با توجه به این نکته اختصاص شعب ویژه رسیدگی کننده به قاچاق کالا و ارز را در سازمان تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب پیش‌بینی کرده است. هر چند هم‌چنان ممکن است در پرونده‌های قاچاق مراجع متعدد صلاحیت رسیدگی پیدا نمایند در صورتی که بهتر بود قانون‌گذار در جهت انسجام و وحدت سیاست جنایی قضایی، یک مرجع واحد و تخصصی جهت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز در تعزیرات حکومتی یا دادگستری تشکیل و به فروض مختلف جرایم قاچاق رسیدگی نماید.

مبحث اول: مبانی صلاحیت و اختیارات دادگاه انقلاب در رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز

بر اساس اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری، رسیدگی به جرایم ارتكابی در دادگاه‌های عمومی انجام می‌شود اما این اصل نیز هم‌چون هر اصل حقوقی دیگر، استثنای پذیر است و گاه قوانین مرتبط با حقوق جزای شکلی، برخی از دادگاه‌های اختصاصی را نیز پیش‌بینی نموده‌اند که تنها رسیدگی به برخی جرایم خاص را بر عهده دارند و این جرایم خاص توسط قانون مورد پیش‌بینی و احصاء قرار گرفته‌اند. یکی از دادگاه‌های اختصاصی پیش‌بینی شده در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، دادگاه انقلاب اسلامی است. با توجه به امره بودن قوانین صلاحیت کیفری، مرجع صالح برای رسیدگی به امور کیفری

را قانون تعیین و معرفی می‌کند. رسیدگی به صلاحیت از تکالیف دادگاه بوده و همین‌که خود را صالح ندانست، باید قرار عدم صلاحیت را صادر نمایند (لاریگه، ۱۳۸۷، ۱۵۴)، اعم از این‌که به صلاحیت آن اعتراض شده یا نشده باشد. بنابراین با توجه به آمره بودن قوانین صلاحیت کیفری، دادگاه انقلاب فقط صلاحیت رسیدگی به جرایمی را دارد که قانون تعیین و معرفی نموده است و این دادگاه قبل از ورود به ماهیت پرونده، باید صلاحیت یا عدم صلاحیت خود را نسبت به رسیدگی به جرم ارتكابی، بدون توجه به اعتراض یا عدم اعتراض اصحاب دعوا احراز نماید. در غیر این صورت رسیدگی به جرایمی که با توجه به قانون، در صلاحیت آن دادگاه نیست، عبث بوده و صدور هر حکمی فاقد وجهت قانونی خواهد بود.

ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت دادگاه‌های انقلاب را بیان کرده همچنین قوانین متفرقه نیز ممکن است مواردی را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده باشند اما آن‌ها که از نام این دادگاه (دادگاه انقلاب) و فلسفه وجودی آن فهمیده می‌شود، آن است که صلاحیت دادگاه مزبور باید منحصر به جرایم علیه انقلاب اسلامی باشد و بسیاری از مصادیق پیش‌بینی شده نیز از همین خصوصیت برخوردار است مانند جرایم علیه امنیت کشور، توطئه علیه جمهوری اسلامی، جاسوسی و... اما برخی از جرایم نیز به دلیل اهمیتی که دارند در صلاحیت این دادگاه قرار گرفته است مانند توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب و محاربه زیرا این جرایم ارتباط مستقیم با انقلاب ندارند. بسیاری از جرایم دیگر نیز مانند ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر و قاچاق کالا و ارز و جرایم نظیر این‌ها، خصیصه‌ی عمومی دارند ولیکن به جهت اهمیتی که قانون‌گذار تشخیص داده در صلاحیت این دادگاه قرار گرفته است. با توجه به توضیحات مذکور دادگاه انقلاب بر اساس ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و در راستای ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بند «ت» ماده‌ی مذکور صلاحیت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز را خواهد داشت.

مبحث دوم: مبانی صلاحیت و اختیارات مراجع عمومی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز

قانون‌گذار در فصل ششم از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مواد ۳۳، ۳۴ و ۳۵، جرائم مرتبط با قاچاق کالا و ارز را آورده است. طبق ماده ۳۳: «هرکس در اسناد مثبت‌ه گمرکی اعم از کتبی یا رقمی (دیجیتالی)، مهر و موم یا پلمب گمرکی و سایر اسناد از قبیل اسناد سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، مؤسسه‌ی ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ثبت سفارش و سایر مجوزهای مورد نیاز صادرات و واردات، شناسه کالا و رهگیری، مرتکب جعل شود و یا با علم به جعلی‌بودن، آن‌ها را مورد استفاده قرار دهد، حسب مورد علاوه بر مجازات حبس مذکور در قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کالای موضوع اسناد مجعول محکوم می‌شود.

تبصره: خرید و فروش اسناد اصیل گمرکی که قبلاً در ترخیص کالا استفاده شده است و همچنین استفاده مکرر از آن اسناد، جرم محسوب و مرتکب به مجازات فوق محکوم می‌شود.»

ماده ۳۴: «در صورتی که شخص حامل یا مالک کالا و یا ارز قاچاق، در مواجهه با مأموران کاشف به ر نحوی مقابله یا مقاومت نماید، اگر عمل مذکور از مصادیق دست‌بردن به سلاح و سلب امنیت مردم نباشد علاوه بر مجازات‌های مقرر برای ارتکاب قاچاق، به شش ماه تا دو سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.»

نکته قابل ذکر در این ماده بحث تعدد مادی از نوع تعدد معنوی است، زیرا فرد با قاچاق مسلحانه کالا در واقع مرتکب دو جرم شده است؛ الف: قاچاق کالا ب: حمل و استفاده از سلاح، که به موجب این ماده‌ی قانونی یک جرم تلقی شده است یعنی فعل واحد (قاچاق مسلحانه) عنوان‌هایی متعدد دارد که مطابق ماده‌ی ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی باید مجازات‌اش در مورد آن در نظر گرفته‌شود، اما قانون‌گذار خود اقدام به تعیین دو مجازات علی‌حده برای مرتکب نموده است.

ماده‌ی ۳۵ «در صورتی که مأموران دستگاه‌های کاشف یا وصول درآمدهای دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب نمایند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر

در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم می‌شوند.

تبصره ۱: مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبان خودداری یا برخلاف قوانین و مقررات عمل نمایند در حکم مختلس محسوب و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم می‌شوند مگر آن‌که عمل مرتکب به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات شدیدتر محکوم می‌وند.

تبصره ۲: کارکنان تمامی دستگاه‌ها و سازمان‌های مؤثر در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله ستاد و سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نیز مشمول حکم این ماده و تبصره ۱ آن می‌شوند.»

در ماده‌ی ۳۵ قانون‌گذار عمل مباشرت و مشارکت و معاونت در جرم قاچاق را که توسط مأموران کشف قاچاق صورت گرفته باشد علاوه بر عنوان قاچاق در حکم اختلاس در اموال دولتی نیز دانسته و بنابر این صرف نظر از این‌که عمل مرتکب مباشرت، شراکت، یا معاونت باشد، در هر صورت به عنوان اختلاس نیز محاکمه و مجازات خواهد شد. به نظر می‌رسد که هدف قانون‌گذار از وضع این حکم این بوده است که مأموران کشف قاچاق را که امین حکومت هستند از ارتکاب این جرم برحذر دارد و بنابراین ارتکاب جرم قاچاق توسط آن‌ها را در حکم اختلاس (که نوعی خیانت در امانت است) هم محسوب نموده است.

چنانچه بحث شد این مواد اشاره به جرایمی منصرف از جرایم مذکور در ماده‌ی ۲۲ و ۴۴ را مطرح کرده‌اند. به نظر می‌رسد ماده‌ی ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مورد صلاحیت رسیدگی به جرایم مرتبط با موضوع مواد ۳۳، ۳۴ و ۳۵ مسکوت است. لذا در راستای اجرای ماده‌ی ۵۱ قانون فوق باید به عمومات قوانین راجع به آیین دادرسی مراجعه کرد. در نتیجه دادگاه انقلاب در رسیدگی به جرایم مرتبط موضوع مواد فوق‌الذکر صلاحیت رسیدگی نداشته و پرونده‌های مربوط باید به دادگاه عمومی ارسال شود.

قانون‌گذار در قسمت اخیر تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴ قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی ۱۳۷۴، صلاحیت دادگاه‌های عمومی را هم در نقاطی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده باشد پذیرفته بود و دیوان عالی کشور هم در رأی وحدت به شماره‌ی ۶۷۶ مورخ ۱۳۸۴/۰۳/۰۱ به این امر تأکید ورزیده بود. قانون‌گذار در قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز در

بحث صلاحیت دادگاه انقلاب و سازمان تعزیرات حکومتی را مراجع صالح در این دانسته و صلاحیت این مراجع را در مواد ۲۲ و ۴۴ صراحتاً مورد اشاره قرار داده است. لذا در غیر جرایم مرتبط که در مواد ۳۳، ۳۴ و ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ذکر شده است دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز را نخواهد داشت.

مبحث سوم: تداخل صلاحیت و اختیارات دادگاه انقلاب و سازمان تعزیرات حکومتی

از آنجا که رسیدگی به پرونده‌های قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای و سایر مواردی که در صلاحیت مرجع قضایی است، ممکن است در سازمان تعزیرات حکومتی مطرح شود به موجب تبصره ماده ۴۴ قانون مزبور، شعب رسیدگی کننده این سازمان مکلف هستند که با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع قضایی ارسال نمایند. ضمناً تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز و جلوگیری از اطاله دادرسی اقتضاء نموده تا قانون گذار اعمال ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب (در امور مدنی) را در این مورد را به تصریح همین تبصره الزام آور ندانسته و ارسال پرونده به دیوان عالی کشور پس از صدور قرار عدم صلاحیت لازم نیست. در این مورد بیان می‌دارد با تمسک به قیاس اولویت که در امور شکلی جایز است، می‌توان گفت که عکس این موضوع نیز صادق است. یعنی اگر دادسرا و دادگاه انقلاب نیز به صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی اعتقاد داشت و قرار عدم صلاحیت صادر کرد، ارسال پرونده به دیوان عالی کشور در این مورد ضروری نیست. پذیرش این امر با توجه به حجم زیاد پرونده‌های متبادله بین دو مرجع منطقی به نظر می‌رسد. (سالکی، ۱۳۹۳، ۱۵۳)

همچنین ماده ۴۴ در مورد صلاحیت دادگاه اطفال، کیفری استان و ویژه روحانیت ابهام دارد که آیا آنها نافی صلاحیت آنها بوده یا خیر؟ در جواب بیان می‌دارد که قانون گذار در مقام نفی صلاحیت اختصاصی این مراجع نبوده است و به تعبیر فقهی اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند. (پیشین، ۱۵۴) بر همین اساس در صورت ارتکاب قاچاق بر حسب شرایط و اشخاص مرتکب جرم مزبور و با توجه به قواعد حل تعرض صلاحیت قانون آیین دادرسی کیفری مرجع صالح، صلاحیت رسیدگی را خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

قاچاق کالا و ارز پدیده شوم در نظام اقتصادی ایران بوده و تجارت قانونی، سرمایه‌گذاری و اشتغال، در ایران تحت تاثیر این پدیده قرار گرفته است این معضل آثار مخرب فراوانی بر اقتصاد کشور وارد می‌سازد و موجب کاهش تولیدات داخلی، ازدیاد بیکاری و تبعات آن می‌شود. سازمان تعزیرات حکومتی در کنار سازمان بازرسی و نظارت در سال ۱۳۷۳ تشکیل شدند که یکی به عنوان اعلام‌کننده جرم و دیگری به عنوان رسیدگی‌کننده گزارش‌های ارسالی در کلیه امور تخلفات دولتی و غیردولتی به فعالیت پرداخت و در این راستا سازمان تعزیرات حکومتی نیز به عنوان نهادی مستقل از مراجع قضایی، بدون داشتن آیین دادرسی خاص با تشکیلات خاص تر عهده‌دار مبارزه با جرایم اقتصادی شد. تشکیلات سازمان تعزیرات حکومتی در عمل همانند تشکیلات مراجع قضایی است که از دو قسمت اداری و قضایی (شبه قضایی) تشکیل می‌شود و رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۷۴ با ماده واحده به سازمان تعزیرات حکومتی تفویض شد و در نهایت با تصویب قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ فصل نوبنی در حقوق کیفری ایران به وجود آمد. سازمان تعزیرات حکومتی که یک سازمان شبه قضایی است توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و به دستور رهبر معظم انقلاب به دلیل وجود هرج و مرج در نظام اقتصادی تأسیس شد.

رابطه سازمان تعزیرات حکومتی با سایر مراجع قضایی در رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۲ دچار تغییرات مهمی شد و رابطه با سایر مرجع قضایی را هموارتر و سهل‌تر نمود. در این قانون رابطه سازمان تعزیرات حکومتی با سایر مراجع قضایی در رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز به طور مشخصی تعیین شد. به موجب ماده ۴۴ صلاحیت رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع، قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی به دادسرا و دادگاه انقلاب اعطا شد و سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، بعنوان تخلف محسوب و صلاحیت رسیدگی به آن به سازمان تعزیرات حکومتی واگذار شد و سایر موارد که در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب نیست. مانند جعل مدارک و قاچاق کارکنان تعزیرات (اختلاس) به دادگاه‌های عمومی ارجاع می‌شود. قانون‌گذار جهت تسریع در رسیدگی به پرونده‌های

قاچاق کالا و ارز و جلوگیری از اطاله دادرسی اعمال ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب (در امور مدنی) را در این مورد را به تصریح تبصره ماده ۴۴ الزام آور ندانسته و تصویب نمود ارسال پرونده به دیوان عالی کشور پس از صدور قرار عدم صلاحیت لازم نیست. عکس این موضوع هم صادق بوده یعنی اگر دادسرا و دادگاه انقلاب نیز به صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی اعتقاد داشت و قرار عدم صلاحیت صادر کرد، ارسال پرونده به دیوان عالی کشور در این مورد ضروری نیست. پذیرش این امر با توجه به حجم زیاد پرونده‌های متبادله بین دو مرجع منطقی به نظر می‌رسد.

در نهایت می‌توان با انجام برخی اصلاحات در اختیارات و تکالیف سازمان تعزیرات حکومتی و اتخاذ روش‌هایی که متهم را از فرایند کیفری خارج می‌سازد و با برخوردهای مدنی، اداری، تربیتی با وی می‌توان در جهت سیاست جنایی مبتنی بر جرم‌زدایی، کیفرزدایی گام برداشت. قانون‌گذار طبق قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اختیارات و تکالیفی که به سازمان تعزیرات حکومتی محول نمود و در مقاله به مبسوط شرح داده شد، توانست نسبت به برطرف نمودن اندکی از معضلات قانون فوق‌الذکر مبادرت نماید. اما قاچاق کالا و ارز برحسب ماده ۵۷ قانون قاچاق کالا و ارز جرم محسوب شده و در تخصص قضات است و همین‌طور در این جرایم یکی از طرفین دعوی خود دولت است.

منابع و مآخذ

الف) کتب فارسی

۱. اجتهادی، سید عبدالمجید، (۱۳۹۹) ماهیت جرایم قاچاق کالا و ارز، مجله ترجمان حسبه، شماره ۱۰.
۲. جعفری لنگرودی محمد جعفر، (۱۳۹۸) ترمینولوژی حقوق، واژه قاچاق، انتشارات گنج دانش
۳. خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته هایی از قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش حقوقی شهر دانش
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲) لغت نامه سرواژه تعزیر، انتشارات دانشگاه تهران
۵. زراعت، عباس، (۱۳۸۸) شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، تهران، انتشارات ققنوس.
۶. سالکی، محمد رضا، (۱۳۹۵) جرایم قاچاق کالا و ارز از دیدگاه علوم جنایی و حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۷. لاریگه، ژان (۱۳۸۷). آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسین کاشفی اسماعیلزاده، تهران، انتشارات گنج دانش.

ب) کتب عربی

۸. ابن اثیر، مبارک ابن محمد (۱۴۲۱) هق النهایه، انتشارت ریاض دارین الجوزی، جلد ۳.
۹. الجبعی العاملی (شهید ثانی)، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام، چاپخانه دانش، ج ۱۴.
۱۰. نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۴) هق، جواهر الکلام، انتشارات دارالکتب اسلامیه.

ج) قوانین و مقررات

۱۱. مجموعه کامل قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی، به اهتمام اداره کل حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی، انتشارات سوره، ۱۳۷۹.